

زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيُنٍ

امامان مایارانی مخلص و باوفا داشتند که با سختی‌ها و دشواری‌های دوران بنی امیه و بنی عباس، همواره دست به گریبان بودند و در سخت‌ترین شرایط، پیشوایان و رهبران خویش (ائمه علیهم السلام) در تماس بوده و هر فرصتی را غنیمت شمرده از مقام معظم آنان، کسب فیض می‌کردند. و بوسیله همین اصحاب باوفا و دانش پژوه، قطره‌ای از دریای بیکران علوم آل محمد «ص» نسل به نسل منتقل شد و به ما رسید.

این حاملان علم با تحقّل کردن شرایط ناگوار زندگی در آن دوره‌های پرازفته و آشوب و ستم، جان و مال و خاندان و دارائی خویش را در این راه مقدّس گذاشته و به حق از اسلام عزیز پاسداری کردند.

اکنون ما برآن شدیم که یادی هر چند کوتاه از این صاحبان علم و فضیلت در مجله نموده و خلاصه‌ای از زندگی، سیر امر افتخار آنان درج نمائیم. باشد که اقتضای اسلام با چهره‌های بسیار محبوب و در عین حال مظلومی که مفاخر بزرگ مکتب تشیع به شمار می‌آیند تا اندازه‌ای آشنا شوند. لازم به تذکر است که در این بررسی کوتاه، بدون اینکه برتری‌های علمی یا تسلسل تاریخی را منظور داشته باشیم، هر بار یکی از این پاسداران بزرگ اسلام را اختیار نموده و به اقامت پاسدار اسلام معرفی می‌نمائیم.

پدرم بر حلال خدا و حرامش می‌باشند...»^۱
این دو سخن گهربار از پیشوای مکتب تشیع، حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه می‌باشد که درباره «زراره بن اعین» و دیگر یارانش فرموده است.

زراره در روایتهای ما و در سخنان علمای ما بقدری با عظمت و بزرگی یاد شده است که

«خداوند زراره بن اعین را بیامرزد. اگر زراره نبود، احادیث پدرم ازین می‌رفت.»^۱
«هیچ کس یاد ما را زنده نداشته و احادیث پدرم را احیان کرده است مگر زراره و ابویصیر مرادی و محمد بن مسلم و برید بن معاویه و اگر اینان نبودند، کسی نمی‌توانست استنباط کند. اینها نگهداران دین و امینان

از راستگوبودن و مورد اعتماد ائمه بودن و توثیق فراتر رفته است، این بزرگمرد از یاران نزدیک و شاگردان متعهد و مخلص امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده و از مکتب اهل بیت بیشترین بهره را در فقه آل محمد و اخلاق و رفتار و فضیلت فرا گرفته و تا آنجا پیش رفته که علمای رجال او را از اصحاب اجماع می‌شمارند، به این معنی که پیشوایان مذهب، اجماع دارند بر اینکه آنچه از زراره رسیده است، محکوم به صحت می‌باشد و همه برفقیه بودن بلکه فقیه تر بودن وی از دیگر اصحاب، گواهی می‌دهند.

زراره چهره‌ای روشن و تابناک در جهان علم و فضیلت می‌باشد که همواره نام مبارکش بر زبان فقها و محدّثین جاری است و هیچ‌یک از علمای گذشته و معاصر، در باره او کوچکترین خدشه‌ای نمی‌کنند و او را به عنوان راستگوترین و امین‌ترین شخصی که سخنان و احادیث اهل بیت را به ما رسانده است می‌شناسند. او زبان گویای امامان ما است که امام صادق «ع» در باره اش می‌فرماید: اگر او نبود، احادیث

پدرم از بین می رفت. و در روایت دیگری آنقدر اظهار علاقه و محبت به او و سه نفر از دیگر یاران باوفای خویش می نماید که نمی توان بالا تر از این فضیلتی برای کسی از اصحاب ذکر کرد. حضرت می فرماید:

«اربعة احب الناس الي احبائه وامواتا: برید المعجلى و زراره بن اعين و محمد بن مسلم والاحول، احب الناس الي احبائه وامواتا»^۲

چهار نفر محبوبترین مردم نزد من هستند از حاضران و پیشینیان: برید عجلی، زراره بن اعین، محمد بن مسلم و احوال (ابوجعفر مؤمن الطاق) این چهار نفر از همه مردم چه زندگان و چه درگذشتگان محبوبترند.

ملاحظه کنید که حضرت دو بار تکرار می کنند که اینان محبوبترین چهره ها نزد من هستند. و کسی را که امام صادق «ع» به عنوان محبوبترین شخص معرفی می کند، معلوم است که در چه مقام والائی از علم و عمل می باشد. بنابراین ماهر چه در باره او بنویسیم و علما هر چه از او به عظمت و جلال یاد کنند، گویای آن شخصیت فوق العاده و استثنائی او نمی تواند باشد.

زراره کیست؟

«أعین» پدر زراره رومی است و برده یکی از خاندان «شیبان» بوده است که در اثر فراگیری قرآن، آن مرد شیبانی او را آزاد کرده و از او خواست که در نسب به خودش ملحق شود ولی «اعین» نپذیرفت. پدر اعین، شخصی بنام «سلنس» می باشد که از راهبان بنام روم به حساب می آمده. و چقدر جالب است که نوه یک راهب رومی که تمام عمرش را صرف در کلیسا نموده، به صورت

یک مجتهد طراز اول درآید که قدمها و متأخرین او را به عنوان یکی از اولادترین فقهای شیعی و مخلص ترین یاران امامان بشناسند و پیشوای مکتب، درباره اش بفرماید: اگر زراره نبود، احادیث پدرم نابود می شد. یعنی او حافظ و نگهبان احادیث امام باقر علیه السلام می باشد.

از زاد روز و زادگاه زراره اطلاع چندانی در دست نیست ولی از اینکه شیخ در رجال خود او را «کوفی» می نامد، ممکن است، در آنجا متولد شده باشد. و چون وفات او در سال ۱۵۰ هجری قمری بوده و نوشته اند نزدیک به ۷۰ سال عمر کرده می توان سال تقریبی ولادتش را (سال ۸۰ هـ ق) تخمین زد. او امام باقر «ع» را دریافته و تا دو ماه پس از رحلت امام صادق «ع» نیز زنده بوده است.

زراره را «شیبانی» نیز لقب داده اند، و این لقب بمناسبت بردگی پدرش در خاندان بنی شیبان بوده، همانگونه که گذشت. برخی از علمای رجال گفته اند: نام او «عبدربه» است و زراره لقبش می باشد. و کتبه اش ابوالحسن و برخی ابوعلی ذکر کرده اند.

تجاشی «ره» درباره اش می گوید:

زراره بن اعین بن سلنس، شیخ اصحاب مادر زمان خود می باشد. او فاری قرآن، فقیه، متکلم، شاعر و ادیبی بود که تمام خصائص دین و مزایای فضیلت در او جمع شده بود و در هر چه روایت کند، راستگو و صادق است.

در رساله ابوغالب زراری آمده است: کتبه زراره ابوعلی است. وی در گفتگو و احتجاج نظیری نداشت و هیچ کس نمی توانست در برابر استدلالهای فاطمته، سخنی بگوید ولی عبادت او را از گفتگوی زیاد بازمی داشت گرچه متکلمان شیعه، شاگردان

اویند.

این التذیم در فهرست گوید: زراره بزرگترین عالم شیعه است چه از نظر فقهی و چه از نظر حدیث و آشنائی با علم کلام و شناخت مذهب تشیع.

زراره دارای سیمائی جذاب و با وقار و در پیشانی آثار سجده هویدا بود. هنگامی که بر گروهی از مردم می گذشت، سیمای جذاب و پرهیبتش، آنان را به احترام و تعظیم وی وامی داشت.

زراره و حاکمان ستمگر

حکومت‌های ستمگر وقت (خلفای عباسی) که پوسته اصحاب و یاران نزدیک امامان را به بهانه هاشمی و اهل بیت، دستگیر و گاهی به شهادت می رساندند، در صدد این بودند که اصحاب باوفای امام صادق «ع» را شناسائی و رفته رفته از آن حضرت جدا سازند. لذا در پی این کار پلید، به نام زراره بن اعین برخورد کردند. برای اینکه مطمئن شوند که او از اصحاب امام صادق «ع» است چندین بار افرادی تا شناس را به خدمت حضرت فرستادند و از حال زراره جو یا شدند که حضرت برای نگهداری جان این مرد باوفا، در پاسخ آنان به تقیه، از زراره بدگویی و گاهی اعلام دوری از وی می کردند و همین امر باعث شد که آنها نسبت به زراره بدگمان نشوند و در نتیجه، احادیث امامان تا اندازه ای باقی بماند و بوسیله زراره به دیگران برسد.

در این باره روایت بسیار جالب و شیرینی از امام صادق «ع» نقل شده است که آن را به نقل از وسائل الشیعه ج ۲۰، ص ۱۹۶ ذکر می کنیم:

عبدالله فرزند زراره گوید: امام صادق

«ع» به من فرمود: سلام مرا به پدرت برسان و به او بگو: من اگر از تو بد گوئی می‌کنم، تنها برای دفاع از تو می‌باشد. چرا که مخالفان و دشمنان در کمین اند که هر کس را مابه خود نزدیک دانستیم و از او به خوبی یاد کردیم، به او دست یابند و آنان را که مورد محبت و قرب ما هستند، به خاطر محبت و دوستی و قرب به ما، اذیت و آزار نمایند و به قتل برسانند و هر که را ما از خود برانیم و بد معرفی کنیم، ستایش کنند و وضع زندگی خوب شود. و به همین جهت تو در نظر آنها مذموم و مورد نکوهش قرار گرفته‌ای چرا که دوستدارمانی و قلبت سوی ما است. و از این روی خواستم از تو عیب جوئی کنم و بد گوئی نمایم تا اینکه از راه جلوه دادن نقص هائی در تو، تو را ستایش و وصف کنند و از این راه بوسیله ما، بلا و شر آنها از تو دفع شود. خداوند می‌فرماید: *واما السفينة فكانت لمساكين يعملون في البحر فاردت ان اعيبها وكان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا*^۱ و اما کشتی، از آن بیچارگانی بود که روی دریا کار می‌کردند و خواستم او را ناقص کنم چرا که پشت سر آنها پادشاه ستمگری بود که به زور کشتی‌ها را از صاحبانش می‌گرفت. این قرآن از سوی خداست (که چنین می‌فرماید). به خدا قسم! او کشتی را ناقص نکرد مگر اینکه می‌خواست از دست آن پادشاه در امان بماند و بوسیله او از بین نرود و گرنه کشتی سالم و درستی بود و هیچ جای نقصی در آن وجود نداشت. پس تو این مثل را درک کن و بدان خوب توجه نما، خدایت رحمت کند چرا که به خدا سوگند تو محبوبترین مردم نزد من هستی، محبوبترین اصحاب و یاران پدرم نزد من از حاضران و پیشینان هستی.

آری! تو با فضیلت‌ترین کشتی این دریای شگرف بی‌کران هستی، و از پس تو پادشاهی ستمگر و غاصب وجود دارد که منتظر است

هر کشتی خوب و صالحی را که از دریای هدایت می‌رسد، دریابد و غاصبانه برآید، و نه تنها آن را که همه ساکنانش را از بین ببرد. پس رحمت خدا بر تو در زندگیت و آموزش و رضوان خدا بر تو پس از مرگت».

اگر بدقت حالات شیعیان و پیروان مخلص امامانمان را در طول تاریخ مصیبت‌ها و محنت‌ها بررسی کنیم، درمی‌یابیم که چرا امامانمان گاهی ناچار می‌شدند برای حفظ جان یاران عزیز و بسیار محبوبشان، از آنها عیب جوئی کنند و در برابر دشمن بد گوئی نمایند. و این شاید یکی از دردناکترین ظلم‌ها و ستمهای تاریخ در حق ائمه مظلوم مابوده است. و در حالی که بنی امیه و بنی عباس بدترین و نارواترین جنایت‌ها و شکنجه‌های تاریخ را در حق بزرگان این مکتب روا داشتند، و اشخاصی مانند حجر بن عدی‌ها میثم تمارها و عبدالله بن حسن‌ها بدست معاویه‌ها و حجاج‌ها و منصور عباسی‌ها تنها به خاطر ولایت و مودت نسبت به اهل بیت پیامبر اکرم «ص» به شهادت رسیدند و آن دژ خیمان مساک کاختهای خود را بر بدنهای پاک آنان بنانهادند، باینکه آیه‌ها و روایت‌ها در پیروی و طرقداری از این خاندان پاک، به حدی نواتر رسیده بود «قل لا أسئلكم عليه اجراً الا المودة في القربى»^۲ و هزاران بار و ایتمه از حد بزرگواریشان، صاحب رسالت صلی الله علیه و آله؛ پس جا دارد ائمه علیهم السلام برای حفظ جان این بی‌گناهان و برای رساندن رسالت به نسلهای پس از خویش، گاهی تکذیب یا تکفیر یا بد گوئی از بهترین و ارزنده‌ترین و عزیزترین یارانشان بکنند، همانگونه که در روایت عبدالله بن زراره از امام صادق «ع» دریافتیم.

و در روایت دیگری حسین بن زراره نقل می‌کند که به حضرت عرض کرد: ای

ابا عبدالله «ع»! پدرم بر شما درود می‌فرستد و عرض می‌کند: قربانت کردم! پیوسته یک نفر یا دو نفر می‌آیند و می‌گویند: شما درباره من چنین و چنان فرمودید. حضرت فرمود: پدرت را سلام برسان و بگو: بخدا قسم من خیر دنیا و آخرت را برای تو می‌خواهم و من بخدا قسم از تو راضی هستم. پس دیگر تو را چه باک از سخنان مخالفان.^۳

سخن درباره عظمت و بزرگی زراره رضوان الله علیه بسیار است. و این مقاله مختصراً گنجایش ذکر آنها نیست. به سخنی دیگر از امامی دیگر رسیده می‌کنیم:

یحیی بن حبیب مسئله‌ای از امام رضا علیه السلام می‌پرسد و پس از پاسخ امام، عرض می‌کند: این روایت زراره است. حضرت می‌فرماید: «اتری احداً کان اصدع بحق من زراره» - آیا کسی را سراغ داری که از او بهتر و بیشتر حق را آشکار کند؟^۴

درود خدا بر زراره و دیگر یاران مخلص و باوفا و مظلوم امامان و پیشوایان بزرگ مکتب تشیع و درود بر تمام رهروان صدیق راه آنان.

مراجع: رجال کثی - وسائل الشیعه - اعیان الشیعه - معجم رجال الحدیث - فهرست ابن الندیم - بحار الاثوار - اختصاص - کمال الدین - رجال نجاشی

پاورقی‌ها

- ۱- رجال کثی - ص ۹۰
- ۲- اختصاص - ص ۶۶
- ۳- کمال الدین - ج ۱ - ص ۱۶۶
- ۴- سوره کهف - آیه ۷۹
- ۵- سوره شوری - آیه ۲۳
- ۶- معجم رجال الحدیث ج ۷ ص ۲۲۹
- ۷- وسائل الشیعه ج ۳ - ص ۱۳. سؤالی که یحیی بن حبیب از امام رضا «ع» پرسیده بود این بود: بهترین چیزی که انسان را به خدا نزدیک می‌سازد. حضرت فرمود: چهل و شش رکعت نمازهای واجب (یومیه) و نوافل‌های آنها.